



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

## ارزیابی کیفیت دانشگاه‌های ایران از بعد اجتماعی- فرهنگی

عاطفه ریگی (دکتری برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی، مدرس گروه علوم تربیتی، دانشگاه سیستان و بلوچستان،

زاهدان، ایران)

atefe.rigi@gmail.com

### چکیده

پژوهش حاضر یک مطالعه کیفی پدیدارشناسانه است که با هدف ارزیابی کیفیت دانشگاه‌های ایران از بعد اجتماعی- فرهنگی انجام شد. مشارکت‌کنندگان در این مطالعه ۲۱ نفر از دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی دانشگاه کردستان، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشگاه تهران و دانشگاه سیستان و بلوچستان بودند که به صورت هدفمند انتخاب شدند و با آن‌ها مصاحبه شد. همچنین اعتبار و روایی داده‌ها با استفاده از روش بازبینی مشارکت-کنندگان در پژوهش ارزیابی شد. داده‌های حاصل نیز با استفاده از روش تحلیل محتوای استقرایی براساس پارادایم تفسیری-برساختی تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد که این مؤسسات کیفیت مناسبی در حوزه اجتماعی- فرهنگی ندارند و مشکلات اجتماعی- فرهنگی دانشگاه‌ها با دو عامل در ارتباط است که عبارت‌اند از: عوامل سازمانی (کم‌توجهی به دموکراسی، صلح‌محور نبودن و بی‌توجهی به تربیت شهروند جهانی، فضا ندم نبودن دانشگاه، فعال نبودن انجمن‌های صنفی/ علمی) و عوامل فردی (آگاهی محدود جامعه و بی‌توجهی به علم، مشخص نبودن فلسفه زندگی، روحیات فردی متضاد با محیط آکادمیک، بی‌توجهی به تفاوت‌ها، کم‌رنگ شدن دین اسلام، تهاجم فرهنگی). همچنین به منظور حل مشکلات مذکور راهبردهایی از قبیل توسعه کرسی آزاداندیشی، تعامل فرهنگی- اجتماعی

با دانشگاه‌های جهان اسلام، ترسیم سند چشم‌انداز فرهنگی، شناسایی و سازماندهی نخبگان علمی ارائه شده است.

**کلیدواژه‌ها:** آموزش عالی، بعد اجتماعی فرهنگی، دانشگاه‌ها، کیفیت.

#### ۱. مقدمه

ایفای نقش فرهنگی در آموزش عالی از جمله وظایف درخشانی است که تاریخ آن با تاریخ علم و تحولات آن عجین شده است (فضائلی، ۱۳۸۵). از آن‌جا که در دنیای امروز دانشگاه یکی از نهادهای اصلی محسوب می‌شود، بی‌توجهی به دانشگاه و رسالت‌های آن تبعات زیان‌باری می‌تواند برای جامعه داشته باشد؛ زیرا جوامع نوین انباشته از مسائل و مشکلات پیچیده‌ای هستند که دانشگاه‌ها می‌توانند در رفع و پیشگیری میزان درخور توجهی از آن‌ها کمک کنند. از طرف دیگر، نگاه گذشته به مسئولیت دانشگاه، بیشتر آموزشی بوده است، اما با رشد جوامع انسانی و به‌ویژه بعد از انقلاب صنعتی، هر روزه نیازها و خواسته‌های بشری افزوده‌تر و مطالبات متنوع‌تر شده است و به‌دنبال آن انتظارات جامعه نیز از دانشگاه تغییر کرده است و نقش تازه‌ای مطابق با خواسته‌های جدید برای دانشگاه در کنار رسالت قبلی (انتقال علم و دانش) در نظر گرفته شده است، اما مسلم است که در این تغییر و تحولات، ضرورت کارکرد دانشگاه در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی پررنگ‌تر و درخور توجه‌تر گشته است. امروزه از دانشگاه انتظار می‌رود در رفع و کاهش نیازها و خلأهای فرهنگی و اجتماعی همپای علم و دانش در سطح جامعه بکوشد؛ چراکه ایفای نقش صرفاً آموزش و تربیت نیروی کار را می‌توان بر عهده آموزشگاه‌های تخصصی و فنی و حرفه‌ای‌ها نیز گذاشت، ولی تنها این دانشگاه‌ها هستند که مأمورند انسان‌هایی حساس به مسائلی نظیر فقر، نابرابری، آلودگی محیط‌زیست، دارای مسئولیت اجتماعی و متعهد به حفظ اصول و با روحیه انسانی تربیت کنند (کالینگفورد، ۲۰۰۴).

در چارچوب سیاست‌گذاری فرهنگی و نسبت‌سنجی بین فرهنگ و آموزش عالی، می‌توان آموزش عالی را در سه معنا به‌مثابه امر فرهنگی در نظر گرفت: در معنای اول می‌توان آموزش عالی را به‌مثابه عرصه‌ای از فرهنگ در نظر گرفت؛ در معنای دوم، آموزش عالی به‌مثابه منبع اصلی مولد دانش در نظر گرفته می‌شود. دانش نیز بخشی از قلمرو فرهنگ است؛ در معنای سوم نیز آموزش عالی به‌مثابه بخشی از فرایند و نیروهای توسعه فرهنگی و اجتماعی جامعه در معنای کلان آن است. تمام سیاست‌های دولتی در حیطه آموزش عالی از جمله سیاست فرهنگی، قبل از هرچیز بیانگر دغدغه‌های دولت و حکومت در زمینه فرهنگ است (رحمانی، ۱۳۹۳).

به نظر می‌رسد دانشگاه‌ها به‌طور فزاینده‌ای نقش بازیگری و مداخله‌گری را در ارتباط با تحقق اهداف فرهنگی و اجتماعی گسترده و حتی تغییر جامعه به عهده گرفته‌اند (بارنان، ۲۰۰۴). از دهه ۶۰ قرن بیستم، دانشگاه‌ها عهده‌دار تولید دانش و پژوهش در زمینه‌های علمی و اجتماعی شدند و وظیفه «کارکردهای فرهنگی» به وظایف آن‌ها افزوده شد. در ایران نیز از سال ۱۳۶۷ با تشکیل معاونت فرهنگی و اجتماعی در دانشگاه‌ها و شکل‌گیری ادارات کل امور فرهنگی، کار متمرکز سازمان‌یافته‌ای روی مشارکت دانشجویان در برنامه‌های فرهنگی و به تبع آن، ضعف در بهره‌برداری صحیح از نیروی بالقوه دانشجویان به‌منظور تحقق اهداف فرهنگی، به‌خوبی محسوس است (نیستانی و رامشگر، ۱۳۹۲). نقش اجتماعی دانشگاه‌ها اخیراً موضوع بحث‌های گسترده است. از مدیران دانشگاه‌ها برای مشخص کردن فرضیات خود به‌عنوان حامل ارزش‌های اجتماعی و رفاه انسانی انتقاد شده است (کالهن، ۲۰۰۶).

بنابر همه آنچه گفته شد، در شرایط کنونی که یکه‌تازی کمیته‌ی آموزش عالی، سیاست‌گذاران و مدیران این حوزه را به توجه به کیفیت آموزش عالی متقاعد کرده است، توجه صرف به کیفیت ابعاد اقتصادی و غفلت از کیفیت ابعاد فرهنگی، همان معضلی را به بار خواهد آورد که در برهه خاصی از تاریخ آموزش عالی کشور تنها به کمیت پرداخته شد. از

---

1. Brennan

2. Calhoun

مرور ادبیات تاریخی آموزش عالی کشورها چنین بر می آید که در طول تاریخ به‌رغم بیان کارکرد فرهنگی در کنار کارکرد اقتصادی، متأسفانه این کارکرد در اغلب موارد به‌صورت کارکردی تجملی در کنار سایر کارکردها مطرح شده است و دلیل این ادعا هم کثرت نظریه‌هایی است که در حوزه اقتصادی آموزش عالی در مقایسه با حوزه فرهنگی به وجود آمده است. غفلت از کارکردهای فرهنگی از مسائل مبتلا به دانشگاه‌های ماست. این امر نه تنها ما را در زمینه آموزشی به نقطه رضایت‌بخشی نرسانده است، بلکه سبب غفلت از فعالیت‌های فرهنگی در دانشگاه هم شده است. موفقیت در ضرورت بازبینی در این موضوع به‌شدت احساس می‌شود. از سوی دیگر، خلأ موجود در زمینه فعالیت‌های فرهنگی، جو دانشگاه‌ها را به‌شدت سیاسی کرده است. اهمیت پرداختن به مسائل فرهنگی تا بدان‌جاست که مهم‌ترین نشانه آسیب دانشگاه‌ها «ناتوانی تولید و بازتولید فرهنگی» آن‌ها شناخته شده است و این امر را عمدتاً ناشی از استیلای عامل سیاسی بر عوامل فرهنگی دانسته‌اند. لزوم پرداختن جدی به سیاست‌های فرهنگی در توسعه آموزش عالی به مفهوم چشم‌پوشی و اهمال درباره سیاست‌های اقتصادی نیست. همان‌گونه که ضعف برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فرهنگی آموزش عالی را با زوال مواجه می‌کند، ضعف سیاست‌های اقتصادی نیز آموزش عالی را به تباهی خواهد کشاند و بدون توجه به مبانی اقتصادی، فعالیت‌های فرهنگی پشتوانه اجرایی نخواهند داشت. در چنین شرایطی برقراری توازن و تعادل مناسب در به‌کارگیری سیاست‌های اقتصادی و فرهنگی آموزش عالی، ضرورتی انکارناپذیر برای سیاست‌گذاران حوزه آموزش عالی است (حسن‌زاده بارانی کرد و مقارزاده، ۱۳۹۵). از آنجا که دانشگاه‌ها محور و مدار توسعه در جوامع امروزی هستند، مسائل فرهنگی-اجتماعی آن‌ها از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ از این‌رو موضوع اصلی تحقیق حاضر، بررسی و شناخت مسائل فرهنگی-اجتماعی دانشگاه‌های کشور است؛ بنابراین نیازمند پاسخگویی به این سؤال هستیم که بعد اجتماعی-فرهنگی دانشگاه‌ها در چه زمینه‌ای دچار ضعف شده است؟ و به‌منظور بهبود شرایط فرهنگی-اجتماعی دانشگاه‌های کشور چه راهبردهایی می‌توان ارائه داد؟

## ۲. مبانی نظری تحقیق

### ۲.۱. پیشینه تحقیق

معبدفر (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «دانشگاه و دگرگونی ارزش‌ها» به ارزیابی نقش دانشگاه در جهت‌گیری ارزشی، نگرشی و رفتاری دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاهی در ایران پرداخته است. او نشان داده است که فرهنگ علمی و دانشگاهی یکی از عوامل مؤثر بر باورها، نگرش‌ها و رفتارهای آن‌هاست.

در پژوهش کلدی و فلاح مین‌باشی (۱۳۸۸) کارکردهای اجتماعی و فرهنگی دانشگاه‌ها و میزان تحقق‌پذیری آن‌ها از دیدگاه دانشجویان بررسی شد و ارزیابی دانشجویان درباره کارکردهای دانشگاه در سطح نسبتاً خوب بود. همچنین نتایج پژوهش پورعلی و فیرحی (۱۳۹۴) نشان داد سیاست‌گذاری فرهنگی در آموزش عالی نباید با نظم گفتمانی دانشگاهی حاکم بر میدان علم و نهاد دانشگاه ناسازگار باشد.

بارتل<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) بر مبنای گونه‌شناسی اسپورن، چارچوبی فرهنگ‌محور از بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها ارائه کرد. او نشان داد دانشگاه‌های واجد فرهنگ قوی عملکرد سازمانی را از طریق انطباق با مسائل بین‌المللی شدن ارتقا می‌بخشند.

تیرنی<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) براساس یک مطالعه موردی، عوامل شش‌گانه محیط، رسالت، جامعه‌پذیری، راهبرد، مطالعات و رهبری را جزو عناصر عملیاتی فرهنگ دانشگاه به شمار آورده است و آن‌ها را به‌عنوان چارچوبی برای تحلیل فرهنگ سازمانی دانشگاه مطرح کرده است. او در این مطالعه، به تعارضات و تنش‌های حل‌نشده دانشگاه کاری ندارد و به‌جای آن، بر فهم فرهنگ سازمانی به‌منظور کاهش تعارضات و دستیابی به اهداف مشترک متمرکز است. با بررسی تحقیقات پیشین به این نتیجه دست یافتیم که تحقیقات گذشته پاسخ مناسبی به موضوع و سؤالات بررسی شده در تحقیق حاضر نداده‌اند.

1. Brtell

2. Tierney

## ۲.۲. چارچوب نظری تحقیق

## سیاست‌گذاری فرهنگی و الگوهای آن

سیاست فرهنگی درحقیقت همان توافق رسمی و اتفاق نظر مسئولان و متصدیان امور در تشخیص، تدوین و تعیین مهم‌ترین اصول و اولویت‌هایی است که لازم است در حرکت فرهنگی رعایت شود. سیاست فرهنگی را می‌توان اصول راهنمای کارگزاران فرهنگی و مجموعه‌علائم و نشانه‌هایی دانست که مسیر حرکت را نشان می‌دهد (صالحی امیری و عظیمی دولت‌آبادی، ۱۳۸۷، ص. ۱۷۹).

در مطالعات سیاست‌گذاری، معمولاً از سه الگوی سیاست‌گذاری در حوزه فرهنگ سخن گفته می‌شود: رویکرد یکسان‌گرایانه، رویکرد تکثرگرایانه و رویکرد کثرت در وحدت. در الگوی یکسان‌گرایانه، فرض بر آن است که همه افراد یک جامعه باید از ارزش‌ها و هنجارها و الگوهای رفتاری واحدی تبعیت کنند و بر همین اساس، سیاست‌گذاران فرهنگی می‌کوشند همه منابع و نیروهای فرهنگی جامعه را در جهت انتقال این ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای رفتاری به همه افراد جامعه و نهادینه‌سازی آن‌ها بسیج کنند. درمقابل، الگوی تکثرگرایی فرهنگی بر بنیاد فرد استوار است و هدف سیاست‌گذاری فرهنگی در این الگو هر چه بیشتر شکوفاشدن استعدادها و خلاقیت افراد و خودتحقق‌بخشی آن‌هاست. در این رویکرد، فرد و گزینش و خواسته‌های او بر ارزش‌ها و هویت‌های جمعی اولویت داده می‌شود. الگوی کثرت در وحدت، به نوعی حد وسط دو الگوی پیش‌گفته است. در این الگو، خلاقیت و خودتحقق‌بخشی افراد در محدوده‌های خاص و در چارچوب ارزش‌ها و هویت‌های مشترک و عام پذیرفته می‌شود. در این رویکرد، ضمن اینکه بر اشتراکات فرهنگی تأکید می‌شود، تکثر خرده‌فرهنگ‌های گوناگون در چارچوب نمادی مشترک نیز مجاز شمرده می‌شود. (صالحی امیری و عظیمی دولت‌آبادی، ۱۳۸۷، ص. ۹۵). در جدول ۱ الگوهای سیاست‌گذاری فرهنگی ارائه شده است.

## جدول ۱- الگوهای سیاست‌گذاری فرهنگی

منبع: صالحی امیری و عظیمی دولت‌آبادی، ۱۳۸۷، ص. ۱۰۱

الگوهای سیاست‌گذاری فرهنگی	استراتژی فرهنگی	هدف
وحدت فرهنگی	تأکید بر یگانه‌سازی و یک‌شکلی فرهنگی و سرکوب خرده‌فرهنگ‌ها	کنترل فرهنگی
تکنرگرایی فرهنگی	به رسمیت شناختن خرده‌فرهنگ‌ها و فراهم کردن امکان رشد و گسترش آن‌ها	وحدت نمادی
کثرت در وحدت فرهنگی	تأکید بر اشتراکات فرهنگی در کنار به رسمیت شناختن تنوع و تکثر فرهنگی	وحدت نمادی و کنترل فرهنگی

در برنامه‌ریزی فرهنگی دو سطح متفاوت وجود دارد:

سطح صنایع فرهنگی: در این سطح با توجه به میزان موجود صنایع و کالاهای فرهنگی و کیفیت پراکندگی آن در جامعه به‌عنوان شاخص سنجش، می‌توان برنامه‌ریزی فرهنگی کرد؛ سطح رابطه دانش، فرهنگ و معرفت‌شناسی فرهنگی: در این سطح به بررسی رابطه دانش و فرهنگ توجه می‌شود. این نوع سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی به خودی خود در جامعه وجود دارد و براساس ساختارهای معرفتی جامعه تنظیم می‌شود. برای سیاست‌گذاری خودآگاه باید ساختار معنایی جامعه بررسی شود (فیاض، ۱۳۸۹، ص. ۳۷۰).

## ۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کیفی بود که در آن با استفاده از روش پدیدارشناسی، بعد فرهنگی-اجتماعی در آموزش عالی بررسی شد. از نظر هوسرل، اصطلاح پدیدارشناسی، توصیف، اکتشاف، تجزیه و تحلیل پدیدارهاست. پدیدارشناسی تنها در مقام آن نیست که به حقیقت پدیده‌های ذهنی دست یابد؛ بلکه می‌خواهد بداند، این پدیدارها چه رابطه‌ای با ارگانسیم حسی، بدنی و عوامل محیطی دارند. در واقع، پدیدارشناسی هم توضیح ذهن است و هم توضیح و تفسیر محتوا و موضوع ذهن؛ خواه آن موضوع وجود واقعی داشته باشد و موافق

با دنیای خارج باشد و خواه وجود واقعی نداشته باشد و موافق با دنیای خارج نباشد (میلر و برور<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳، ص. ۲۲۷).

ملاحظات اخلاقی در اجرای پژوهش نیز مدنظر قرار گرفت که در واقع نشان‌دهنده میزان و چگونگی احترام پژوهشگر به مشارکت‌کنندگان است (گورارد و تیلر<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴). به‌منظور رعایت مسائل اخلاقی قبل از شروع مصاحبه، درمورد اهداف مصاحبه آگاهی لازم به شرکت‌کنندگان داده شد و با رضایت کامل در مصاحبه شرکت کردند. مصاحبه به‌صورت حضوری صورت گرفت و مدت زمان آن از ۳۵ تا ۷۰ دقیقه، متغیر بود.

مشارکت‌کنندگان به تعداد ۲۱ نفر از دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی دانشگاه کردستان، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشگاه تهران و دانشگاه سیستان و بلوچستان بودند که حاضر به شرکت در تحقیق بودند. آن‌ها به‌صورت داوطلبانه با استفاده از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای-هدفمند انتخاب شدند و مصاحبه‌ها به‌صورت نیمه‌ساختارمند تا رسیدن به اشباع نظری ادامه داشت. نمونه‌گیری سهمیه‌ای، نوعی روش نمونه‌گیری قراردادی است. این استراتژی برای اطمینان از ورود انواع خاصی از شرکت‌کنندگان مانند افراد مؤنث، گروه‌های اقلیتی، سالمندان، فقرا، ثروتمندان، کم‌سوادان و براساس شغل افراد است. هدف این نوع نمونه‌گیری، تکرار نسبی از زیرگروه‌ها در جامعه است (برنز<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵). این نوع نمونه‌گیری، رده‌های جمعیت و به‌دنبال آن تعداد شرکت‌کنندگان هر رده را مشخص می‌کند. سپس به روش قراردادی تعداد هر رده تکمیل می‌شود (بوسول و کانون<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲). در این نمونه‌گیری در زمان طراحی پژوهش تصمیم گرفته می‌شود که چه تعدادی از افراد با چه ویژگی‌هایی به‌عنوان شرکت‌کننده انتخاب شوند. ویژگی‌ها می‌تواند شامل سن، جنس، محل سکونت، محل تحصیل و شغل باشد. این کار باعث تمرکز بر افرادی می‌شود که تصور می‌شود بیشتر به تجربه شبیه هستند یا درمورد آن

1. Miller & Brewer
2. Gorard & Taylor
3. Burns
4. Boswell & Cannon



می‌دانند (آنوگیزی و کالین<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷). پژوهشگر دسته‌های مربوط را مشخص می‌کند (نیومن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۷)؛ بنابراین در این پژوهش از اساتید و دانشجویان دکتری به‌عنوان نمونه استفاده شد که در مقایسه با سایر کارکنان دانشگاهی با فضای آموزشی و پژوهشی دانشگاه بیشتر در ارتباط هستند.

در رابطه با معیار قابل قبول و تأیید درستی یافته‌ها، رونوشت‌های مصاحبه به شرکت‌کنندگان داده شد تا موافقت یا مخالفت آنان با مطالب ذکر شده مشخص شود. در نهایت، یافته‌ها با پیشینه پژوهش مقایسه شد و با استناد به بحث‌های نظری در تبیین آن‌ها اقدام شد. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوای استقرایی براساس پارادایم تفسیری-برساختی استفاده شد.

#### ۴. یافته‌های تحقیق

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوا استفاده شد. این روش رویکردی تحلیلی بر پایه شناسایی و تعیین مقوله‌های شاخصی از محتوای موجود در متن و بررسی رابطه میان این مقوله‌هاست. هدف تحلیل محتوا، استنباط و شناخت نسبی شرایط پدیدآیی پدیده‌ها با کمک شاخص‌هاست و با این روش می‌توان پیام‌های اساسی ولی نهفته در متن را دریافت (منادی، عابدی و طالب‌زاده شوشتری، ۱۳۹۴).

در شرایط کنونی که یکه‌تازی کمیته آموزش عالی، سیاست‌گذاران و مدیران این حوزه را به توجه به کیفیت آموزش عالی متقاعد کرده است، توجه صرف به کیفیت ابعاد اقتصادی و غفلت از کیفیت ابعاد فرهنگی، همان معضلی را به بار خواهد آورد که در برهه خاصی از تاریخ آموزش عالی کشور تنها به کمیت پرداخته شد. از مرور ادبیات تاریخی آموزش عالی کشورها چنین برمی‌آید که در طول تاریخ به‌رغم بیان کارکرد فرهنگی در کنار کارکرد اقتصادی، متأسفانه این کارکرد در اغلب موارد به‌صورت کارکردی تجملی در کنار سایر

1. Onwuegbuzie & Collins

2. Neuman

کارکردها مطرح شده است و دلیل این ادعا هم کثرت نظریاتی است که در حوزه اقتصادی آموزش عالی در مقایسه با حوزه فرهنگی به وجود آمده است. غفلت از کارکردهای فرهنگی از مسائل مبتلا به دانشگاه‌های ماست. این امر نه تنها ما را در زمینه آموزشی به نقطه رضایت‌بخشی نرسانده است، بلکه سبب غفلت از فعالیت‌های فرهنگی در دانشگاه نیز شده است؛ بنابراین موفقیت در ضرورت بازبینی در این موضوع به شدت احساس می‌شود (عزیزی، ریگی و قاسمی، ۱۳۹۷). در این تحقیق درصدد هستیم به دو سؤال پاسخ دهیم که در ذیل مطرح شده است:

۱- بعد اجتماعی-فرهنگی دانشگاه‌ها در چه زمینه‌ای دچار ضعف شده است؟

در نتیجه تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده در رابطه با کیفیت بعد اجتماعی-فرهنگی دانشگاه‌های ایران، دو عامل سازمانی و فردی به دست آمده است که در ذیل به تشریح آن خواهیم پرداخت.

#### الف- عوامل سازمانی

##### صلح‌محور نبودن و بی‌توجهی به تربیت شهروند جهانی

هم‌اکنون پدیده جهانی شدن به صورت واقعیت مهمی درآمده است. عرصه مواجهه این عصر با پدیده جهانی شدن و شهروند جهانی، عرصه علم، مدیریت و تدابیر یاددهی و یادگیری است. این امر تغییر مرزهای حرفه‌ای را در آموزش عالی طلب می‌کند. دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی موظف‌اند در هزاره سوم، آموزش و تربیت شهروند جهانی را آغاز کنند تا متناسب و پاسخگوی نیازهای هزاره باشد. برای عقب‌نیفتادن از سیر جهانی دانشجویان باید دانش و مهارت‌هایی را برای شهروندی مفید و مؤثر بودن در جامعه جهانی کسب کنند، شهروندان جامعه متنوع و جهانی باید بتوانند ضمن اتصال و اعتقاد به فرهنگ خودی، در یک فرهنگ جهانی مشترک مشارکت مؤثری داشته باشند، آموزش شهروند جهانی را کسب و درک کنند و بیاموزند که چگونه زندگی آن‌ها در جوامع فرهنگی‌شان زندگی ملل دیگر را تحت‌تأثیر

قرار می‌دهد و چگونه رویدادهای جهانی می‌توانند در زندگی روزمره آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهند (رشیدی، ۱۳۹۶).

مشارکت‌کنندگان (شماره‌های ۶ و ۱۵) به تربیت شهروند جهانی در آموزش عالی توجه کردند؛ از جمله:

«به‌طور کلی علم یک مسئله جهانی است؛ از برقراری ارتباط و کار پژوهشی گرفته تا پذیرش دانشجو و استاد خارجی و برگزاری کارگاه و غیره؛ یعنی به هیچ عنوان نمی‌توان اسم مکانی را دانشگاه و تولیدکننده علم گذاشت و ارتباط بین‌المللی را در نظر نگرفت. متأسفانه این عامل مهم در دانشگاه‌های ما لحاظ نمی‌شود و حتی دانشجویان تحصیلات تکمیلی را هم به گونه‌ای تربیت نمی‌کنیم که ویژگی‌ها و اعتقادات جهانی داشته باشند» (مشارکت‌کننده شماره ۱۵).

#### -کم‌توجهی به دموکراسی

مسائل مربوط به دموکراسی همیشه مورد بحث بوده است و تقریباً تعریف جهان‌شمولی که توافق شده باشد، برای آن وجود ندارد. یکی از دلایل آن می‌تواند این مسئله باشد که دموکراسی همواره در حال توسعه و تغییر است، اما نکاتی وجود دارد که در مورد ارتباط آن با دموکراسی توافق وجود دارد؛ مانند حقوق برابر انسان‌ها، آزادی اندیشه، برابری انسان‌ها در مقابل قانون. تعدادی از مشارکت‌کنندگان (شماره‌های ۵، ۷ و ۱۳) معتقد بودند که در آموزش عالی ایران به دموکراسی کم‌توجهی شده است؛ از جمله:

«ببینید چه مساله هست که احتمالاً خیلی از ما تجربه کردیم به عنوان یک دانشجو نمی‌تونیم هر حرفی که بخواهیم به استاد بگیم چون احتمال داره در نمره ما تأثیر منفی داشته باشه پس من در دانشگاه آزادی بیان ندارم یا اینکه نمی‌تونیم به عنوان یک استاد به مدیر گروه یا ریاست دانشکده نقدی داشته باشیم چون احتمال داره بعداً بد بشه برای ما و مسائلی از این قبیل به نظرم زیاده» (مشارکت‌کننده شماره ۵).

« به نظرم دانشگاه هم مثل خیلی از سازمانهای دیگر هست ولی نباید اینطور باشد یعنی محافظه کاری در روابط موج می زنه در صورتی که یک نهاد فرهنگی و علمی اصلا نباید موردی باشه که یک فرد نتونه نقدی به همکارش داشته باشه چون فکر کنه برایش مشکلی ایجاد می کنه حداقل این جنبه اخلاقی باید در دانشگاهها کمتر باشه» (مشارکت کننده شماره ۳)

#### -فضامندیون دانشگاه

درواقع هر سازمانی حد و مرزی دارد که در چارچوب آن کنش و واکنش‌هایی مخصوص آن سازمان شکل می گیرد و معانی نهفته، گفتارها، مصنوعات و مقولات معناداری می داند که افراد به کمک آن با هم ارتباط برقرار می کنند و در تجربه‌ها، دریافت‌ها و باورهای مشترک هم سهیم می شوند. دانشگاه‌ها نیز مانند هر سازمانی باید از این فضا مندی برخوردار باشند. با توجه به نتایج تحلیل‌های انجام شده، مشارکت‌کنندگان (شماره‌های ۱۱ و ۱۸) بیان کردند که دانشگاه‌های کنونی چارچوب مشخص و متفاوتی با سایر سازمان‌ها ندارند؛ از جمله:

«دانشگاه‌های ما مانند گذشته از خردورزی و سلوک علمی که مختص دانشگاه و فضای آکادمیک است، برخوردار نیستند و در حال حاضر دانشگاه‌های ما یک سازمان اداری هستند. محل تولید علم به عبارتی ارزش علم در دانشگاه‌های ما به عنوان یک مقوله فرهنگی مختص دانشگاه به عنوان یک سازمان به خصوص نهادینه نشده است» (مشارکت کننده شماره ۱۸).

#### -فعال‌نبودن انجمن‌های صنفی/علمی

انجمن‌های علمی می‌توانند نقش مؤثری در نهادینه کردن و توسعه رفتار علمی در دانشجویان داشته باشند. یکی از مسائلی که توسط مشارکت‌کنندگان (شماره‌های ۴، ۱۳ و ۱۶) بر آن تأکید شد، فعال‌نبودن انجمن‌های علمی به عنوان یک نهاد فرهنگی در دانشگاه‌ها بود؛ از جمله:

«برای بهبود وضعیت دانشگاه‌ها باید دانشجویان و اعضای هیئت علمی فعال‌تر شوند. یک نهاد خیلی غیرفعال در دانشگاه‌ها انجمن‌های علمی هستند که می‌توانند در تغییر نظر دانشجویان درباره علم اثرگذار باشند، ولی در عمل هیچ فعالیتی ندارند. انتقال فرهنگ علمی،

تشویق دانشجویان نخبه و خیلی کارهای دیگری که می‌توانند در جهت هدایت دانشجویان به سمت علم‌گرایی انجام دهند، ولی معمولاً به‌عنوان یک بخش فانتزی در دانشگاه‌ها فعالیت می‌کنند» (مشارکت‌کننده شماره ۱۳).

کدهای باز، محوری و گزینشی عوامل سازمانی در جدول ۲ ذکر شده است.

#### ب- عوامل فردی

##### - آگاهی محدود جامعه و بی‌توجهی به علم

با توجه به تحلیل‌های انجام‌شده، مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که عوامل خارج دانشگاهی از جمله افراد جامعه ایران نیز به علم توجه کمی دارند و به تشویق دانشجویان خود در جهت دستیابی به علم جدید نمی‌پردازند. مشارکت‌کنندگان (شماره‌های ۵، ۷ و ۱۴) بر این مورد تأکید کردند؛ از جمله:

«در جامعه ما مانند کشورهای غربی علم ارزشمند تلقی نشده است؛ در نتیجه دانشجویان هرچقدر هم که در مقاطع بالا باشند، فقط برای رفع تکلیف مطالعه می‌کنند؛ در نتیجه کیفیت کار پایین می‌آید؛ البته عوامل دیگر هم دخیل است، ولی به نظرم مهم‌ترین عامل، فرهنگ ارزش‌گذاری برای علم است که برای هیچ‌کس درونی نشده است؛ حتی برای اساتید و والدین که بخواهند منتقل کنند به دانشجویان» (مشارکت‌کننده شماره ۵).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۲- کدهای باز، محوری و گزینشی عوامل سازمانی

کدگذاری گزینشی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
عوامل سازمانی	کم توجهی به دموکراسی	بی توجهی به عدالت اجتماعی رواج تبعیض نژادی در دانشگاه‌ها کم توجهی به آزادی علمی کم توجهی به آزادی دین
	صلح محور نبودن و بی توجهی به تربیت شهروند جهانی	نداشتن روحیه هم‌زیستی مسالمت آمیز در جامعه کم توجهی به بعد پرورش در دانشگاه‌ها روحیه مشارکت ضعیف و تأکید بر «ما»ی محلی بحران گفتمان
	فضامند نبودن دانشگاه	گسست پیوند با گذشته تبدیل دانشگاه به سازمان بوروکراتیک و از بین رفتن هویت اجتماعی آن فقدان خردورزی و عقلانیت آکادمیک در دانشگاه‌ها نداشتن الگو برای دستیابی به هویت و اصالت دانشگاهی بی توجهی به مدرنیته (نو اندیشی) و توجه به مدرنیسم ( دانستن) تطبیق نداشتن نظام آموزش عالی با محیط‌های ملی و بین‌المللی
	فعال نبودن انجمن‌های صنفی/علمی	ارتباط نداشتن مؤثر انجمن‌های علمی با مسئولان بلندمرتبه دانشگاهی بی توجهی به مطالبات دانشجویان معرفی نکردن فرهنگ منطقه به خارجی‌ها نبود حمایت‌های انجمن‌ها در صورت بروز مشکل

### مشخص نبودن فلسفه زندگی

معنا در زندگی معمولاً به احساسی از یکپارچگی وجودی اشاره دارد که به دنبال پاسخ دادن به چیستی زندگی، پی بردن به هدف زندگی و دست یافتن به اهداف ارزنده و در نتیجه رسیدن به حس تکمیل بودن و مفید بودن است (یه‌هو، چیونگ و چیونگ<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). استایگر و فرایزر<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) معنای زندگی را در احساس سازنده بودن انسان، مؤثر می‌داند و حتی ادعا می‌کنند که ماهیت انسان و وجود او منوط به دارا بودن چنین مفهومی است (به نقل از احیاء‌کننده و شیخ-الاسلامی، ۱۳۹۳). مشارکت‌کنندگان (شماره‌های ۸، ۱۴، ۱۷ و ۲۰) بر این مورد تأکید کردند؛ از جمله:

«در دانشگاه‌های ما اساتید که ستون اصلی هستند و می‌توانیم بگوییم هم در بخش عملیاتی همه‌کاره‌اند و هم در هدایت دانشگاه به علت خاصی نقش مؤثری دارند. به علم به‌عنوان یک شغل و منبع درآمد نگاه می‌کنند. پژوهش و آموزش یک حرفه است که باید به بهترین نحو به انجام برسد. در واقع، حرفه‌شان در زندگی‌شان جایگاهی ندارد و این دو را مجزا می‌دانند؛ در حالی که معنای زندگی اساتید باید حرفه‌شان باشد و این مسئله را به دانشجویانشان هم باید منتقل کنند» (مشارکت‌کننده شماره ۱۴).

### روحیات فردی متضاد با محیط آکادمیک

یکی دیگر از عواملی که مدنظر مشارکت‌کنندگان قرار گرفت، روحیات فردی دانشجویان و اساتید دانشگاه است که منجر می‌شود کارهای علمی که انجام می‌شود نوآوری و خلاقیت لازم را نداشته باشد. مشارکت‌کنندگان (شماره‌های ۱، ۳، ۶، ۷، ۱۲ و ۱۶) بر این مورد تأکید کردند؛ از جمله:

«به نظر می‌رسد اساتید و دانشجویان پشتکار لازم را ندارند و دانشجویان با نوعی احساس ناامیدی و یأس زندگی می‌کنند و از طرفی نوعی رقابت منفی بین دانشگاهیان حکمفرماست و

1. Yahoo, Chiung, and Chiung

2. Steiger and Fraser

کار گروهی ضعیف. در واقع، دانشگاهیان لازم است یکسری ویژگی‌های منحصر به فردی داشته باشند که بتوانند دانشگاه را در جهت هدف هدایت کنند» (مشارکت‌کننده شماره ۶).

#### بی‌توجهی به تفاوت‌ها

بدون‌شک، هویت ایرانی آمیزه‌ای از عناصر و لایه‌های مختلفی است که هر کدام از آن‌ها تأثیرات عمیقی بر هویت ایرانیان داشته است. مشخص است که هرچقدر «ما» عام یا اجتماع عام که مبتنی بر وفاق اجتماعی است، ضعیف‌تر شود و ماهای کوچک‌تر خانوادگی، گروهی و قومی قوی‌تر شوند، موجبات سست شدن هویت جمعی عام را فراهم می‌آورند، اما هرچقدر کنشگران اجتماعی در زندگی اجتماعی بر اساس وفاق اجتماعی عام رفتار کنند و وابستگی عاطفی پیدا کنند، اجتماع عام و «ما»ی تعمیم‌یافته را تقویت خواهند کرد؛ بنابراین احساس تعهد و تکلیف این گونه افراد نسبت به همه اعضای «ما» طبق قواعد اخلاقی درونی شده است و تقریباً عام است؛ یعنی با همه افراد انسانی به‌عنوان یک هم‌نوع رابطه برقرار می‌کنند. در سطح کلان نیز روند جهانی شدن واقعیتی است که تأثیر انکارناپذیری بر شکل‌گیری هویت افراد دارد. جهانی شدن که حاصل فشردگی فضا و زمان است که دربرگیرنده نزدیکی ارتباط فزاینده و وابستگی متقابل انسان‌ها، گروه‌ها و جوامع مختلف است، زمینه‌ساز فرهنگ‌ها و هویت‌های فراگیرتر می‌شود. هر اندازه که فرهنگ‌ها با یکدیگر در تعامل قرار می‌گیرند و مبادله و گفت‌وگو میان انسان‌ها بیشتر می‌شود، مشترکات میان فرهنگ‌ها و هویت‌ها افزایش می‌یابد. هرچه انسان‌ها درباره تعلق داشتن به جهان واحد آگاه شوند، به فرهنگ‌ها و هویت‌های فراگیرتر و فرهنگ‌های فراملی، فراملی و حتی جهانی نزدیک‌تر می‌شوند. چنانچه این روند با سیطره اقتصادی و سیاسی همراه شود، به‌طوری‌که به امحای هویت‌های کوچک‌تر و خاص-گرایان فرهنگ‌ها و اجتماعی و دفاع از هویت‌های کوچک‌تر منجر شود، خاص‌گرایی‌های فرهنگی و اجتماعی و دفاع از هویت‌های خاص‌گرایانه نمود بیشتری پیدا خواهد کرد و تعارض‌ها و بحران‌های هویتی پدید خواهد آمد (عبداللهی و مروت، ۱۳۸۵). مشارکت‌کنندگان (شماره‌های ۱، ۹) بر این مورد تأکید کردند؛ از جمله:



«در فرهنگ مردم ایران توجه به نژاد و زبان و اقلیت‌ها خیلی رایج هست و اینکه مردم ما با مردم جاهای دیگر فرق دارند و اینکه کمتر به وجود خود انسان توجه می‌کنند و بیشتر به تفاوت‌ها توجه می‌کنند. اگر یک نفر به مقدار متفاوت باشد، طرد می‌شود. در واقع به نظرم این احساس به‌طور غیرمستقیم می‌تونه اثرگذار بر کیفیت علمی دانشگاه‌های ما باشد. در واقع نوع تربیت در کشور ما به گونه‌ای هست که درست ارتباط برقرار نمی‌کنیم و در نتیجه همکاری‌های علمی کمتر می‌شه و به قومیت خودمان اینکه کرد هستیم لر یا فارس و... خیلی توجه می‌شه بین دانشجویها و حتی اساتید و این منجر به کاهش کیفیت به‌طور غیرمستقیم هست؛ یعنی همکاری علمی نخواهیم داشت و غیره» (مشارکت‌کننده شماره ۱۳).

#### -کم‌رنگ‌شدن دین اسلام

یکی دیگر از عواملی که مشارکت‌کنندگان به آن توجه کردند، کم‌رنگ‌شدن دین اسلام در بین دانشگاهیان است. مشارکت‌کنندگان (شماره‌های ۱، ۳، ۸، ۱۹ و ۲۱) بر این مورد تأکید کردند؛ از جمله:

«بینید گاهی اگر یک انسان به شکل واقعی به اسلام ایمان داشته باشد، شاید متعهدتر نسبت به مسئولیتی باشد که به اون فرد محول شده، ولی در دانشگاه‌های ما آنچه من بین دانشجویها دیدم، اینه که شاید کم‌رنگ‌شدن خیلی از عقاید اسلامی باعث شده که بی‌مسئولیتی در دانشگاه‌های ما رواج پیدا کنه» (مشارکت‌کننده شماره ۱۹).

مصاحبه‌شونده دیگری بیان می‌کند:

«امروزه در کلاس‌های عمومی که بیشتر هم دروس اسلامی هست، دانشجویان علاقه کمتری به حضور در کلاس دارند. فرضاً از هر ۴۲ نفر ۲۰ نفر غیبت دارند؛ درحالی‌که این مسئله در دروس تخصصی مشاهده نمی‌شود و از طرفی فرهنگ ایرانی-اسلامی برای دانشجویها در همین کلاس‌ها شکل می‌گیرد» (شرکت‌کننده شماره ۱).

### -تهاجم فرهنگی

دشمن درصدد است دانشگاه را از یک فضای علمی که تضارب آرا در آن به شکوفایی و رشد استعداد دانشجویان می‌انجامد، به یک محیط منازعه برای نابودی باورهای دینی، ملی و بومی ما تغییر دهد. در چنین محیطی، بیگانگان با افشاندن بذر شک و شبهه و تثبیت انگاره‌های خود در قالب دیدگاه‌های شبه‌علمی و شبه‌روشنفکری، ذهن جوانان را درباره داشته‌های علمی-فرهنگی بومی و ملی مسموم می‌کنند و به یافته‌ها و فرهنگ خودشان تشنه و شیدا می‌کنند (دارا و الفی، ۱۳۹۲). مشارکت‌کنندگان (شماره‌های ۲، ۳، ۱۱ و ۱۶) به این مورد توجه کردند؛ از جمله:

«استفاده از ماهواره در حال حاضر در بین دانشجویان و دانشگاهیان منجر شده که افراد به انحرافات اخلاقی کشیده شوند و از فرهنگ اشتباه غرب الگوبرداری کنند» (مشارکت‌کننده شماره ۲).

کدهای باز، محوری و گزینشی مرتبط با عوامل فردی در جدول ۳ ذکر شده است.

۲- به‌منظور بهبود شرایط فرهنگی-اجتماعی دانشگاه‌های کشور چه راهبردهایی می‌توان

ارائه داد؟

در نتیجه تحلیل مصاحبه‌های انجام‌شده، مشارکت‌کنندگان به چهار راهبرد به‌منظور حل مشکلات فرهنگی دانشگاه‌ها اشاره کرده‌اند که در ذیل به تشریح آن خواهیم پرداخت.

### -توسعه کرسی آزاداندیشی

اسلام به‌عنوان کامل‌ترین دین، آزادی و استفاده صحیح از اختیار انسانی را از مهم‌ترین ابزارهای رسیدن به هدف نهایی می‌داند؛ به گونه‌ای که آزادی فرد اگر از او گرفته شود، هر نوع پیشرفت او فاقد ارزش خواهد بود. آزادی مرتبط با اندیشه در سه سطح است: آزادی در اندیشیدن، آزادی در بیان اندیشه و آزادی در ترویج اندیشه؛ به این معنا که فرد آزاد است درباره هر مسئله‌ای فکر کند و با دیگران به اشتراک بگذارد و درباره آن بحث و گفت‌وگو کند و در جامعه گسترش دهد (خلعتبری لیماکی و شاه فضل قمصری، ۱۳۹۷).

جدول ۳- کدهای باز، محوری و گزینشی مرتبط با عوامل فردی

کدگذاری گزینشی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
	آگاهی محدود جامعه و بی‌توجهی به علم	تشویق نکردن به خلاقیت و ابتکار در جامعه بی‌توجهی جامعه به یافته‌های علمی کم‌اهمیتی به علوم انسانی نداشتن دل‌مشغولی علمی افراد جامعه بی‌اعتمادی افراد جامعه به دانشگاه و محیط آکادمیک
	مشخص نبودن فلسفه زندگی	نداشتن چشم‌انداز و رسالت زندگی در دانشجویان نگاه بازاری اساتید به دانش هدفمند نبودن زندگی دانشجویان سردرگمی دانشجویان ساختار فکری مبهم و نامشخص دانشگاهیان
عوامل فردی	روحیات فردی متضاد با محیط آکادمیک	آرمان‌گرایی افراطی ضد اشراقی‌گری حس تبعیض از بین رفتن شوق به آموختن نداشتن علاقه به فعالیت‌های بین‌المللی از بین رفتن ارزش نخبه‌گرایی به معنای آکادمیک فاصله زیاد بین تصور از خود و ایده‌آل دانشجویان پشتکارنداشتن اساتید و دانشجویان نداشتن تفکر خلاق و انتقادی احساس ناامیدی و یأس در دانشجویان بی‌انگیزگی حضور دانشجویان و اساتید به منظور رفع تکلیف خودستایی اساتید و دانشجویان علاقه‌نداشتن دانشجویان به رشته تحصیلی خود نداشتن روحیه ریسک‌پذیری توجه افراطی به دریافت مدرک رقابت منفی تمایل‌نداشتن به کار گروهی (فردگرایی افراطی)

کدگذاری گزینشی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
	بی توجهی به تفاوت‌ها	فقدان مدارا بر هم خوردن ارتباطات بین نسلی جزم‌اندیشی و نگاههای محدود نگرش‌های قومی، زبانی و نژادی بیگانه‌هراسی بی توجهی به رویکردهای مبتنی بر تنوع فرهنگی و چند فرهنگی وجود دیدگاه‌های بسته فرهنگی استفاده نامناسب از تفاوت‌ها و اختلاف‌های محیط دانشگاه برای پویایی علمی
	کم‌رنگ‌شدن دین اسلام	انجام‌نشدن مراسم اسلامی بی توجهی به نماز و روزه بی علاقه‌گی به قرآن و دروس مذهبی
تهاجم فرهنگی		اعتیاد (اینترنت و...) انحرافات اخلاقی به اجماع نرسیدن درباره مسئله پوشش گرایش به ادیان کاذب

مقوله توسعه کرسی آزاداندیشی یکی از مقولاتی است که مشارکت‌کنندگان (شماره‌های ۵، ۶، ۱۸ و ۲۰) به آن پرداختند. یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان می‌کند:

«به نظرم برای بهتر شدن جو دانشگاه نباید فقط به علم توجه کرد. به‌عنوان تجربه خودم، گاهی اگر غیر از بحث علمی صحبت دیگری سر کلاس داشته باشیم و لو اندک، از طرف بعضی دانشجویان یا هرکسی مورد خطاب قرار می‌گیریم که دانشگاه محل علم است؛ در صورتی که دانشگاه محل علم نیست به‌تنهایی؛ دانشگاه محل تبادل اندیشه، فرهنگ، بحث، مذاکره و... هم است و این‌ها باید به نوعی تقویت شود» (مشارکت‌کننده شماره ۵).

### -تعامل فرهنگی-اجتماعی با دانشگاه‌های جهان اسلام

تعامل فرهنگی-اجتماعی با دانشگاه‌های جهان اسلام یکی دیگر از مقولاتی است که مصاحبه‌شوندگان (شماره‌های ۱۱، ۱۴ و ۱۹) به آن اشاره کردند؛ از جمله:

«دانشجوهای ما فکر می‌کنند علم فقط در غرب وجود دارد و همه تمایل دارند که برای بهبود و پیشرفت علمی برای کارهای مطالعاتی فرضاً به غرب سفر کنند. این به خودی خود فرهنگ ما را خدشه‌دار می‌کند؛ درحالی‌که خیلی از دانشگاه‌های اسلامی در کشورهای اسلامی هم در علوم مختلف موفق عمل کرده‌اند. ما برای ترمیم فرهنگ زخم‌خورده اسلامی در بین دانشجویان می‌توانیم از دانشگاه‌های کشورهای اسلامی که تا حدودی محدودیت کمتری نسبت به دانشگاه‌های ما دارند، استفاده کنیم و به تقویت روحیه اسلامی دانشجویان پردازیم» (مشارکت‌کننده شماره ۱۱).

### -ترسیم سند چشم‌انداز فرهنگی دانشگاه‌ها

دارا بودن چشم‌انداز و مشخص بودن اولویت‌ها، مأموریت‌ها، ایده‌آل‌ها و اهداف از الزامات اولیه برای هر سازمانی است. ترسیم سند چشم‌انداز فرهنگی-اجتماعی برای دانشگاه مقوله قابل قبولی بود که مشارکت‌کنندگان مطرح کردند و در تحلیل مصاحبه‌ها به آن دست یافتیم.

در این رابطه یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان می‌کند:

«به‌طور کلی اگر بخواهیم صحبت کنیم در قوانین و آیین‌نامه‌های ما همیشه در رابطه با مسائل آموزشی پژوهشی و غیره یکسری ایده‌آل‌ها و یکسری اهداف وجود داشته که به عینه مشخص و واضح بوده شاید علت اینکه ما موفق نبوده‌ایم در جنبه فرهنگی مشخص نبودن راه و مسیر و در نهایت هدف فرهنگی بوده و بهتره که اینها را مشخص کنیم تا مشکلات برطرف شوند» (مشارکت‌کننده شماره ۱۴).

### -شناسایی و سازماندهی نخبگان علمی

مصاحبه‌شوندگان (شماره‌های ۳، ۵، ۸، ۱۰ و ۱۲) به مقوله مذکور اشاره کردند؛ از جمله:

«ما به عنوان یک کشور جوان و باهوش تاحدودی مهاجرت نخبگان را بسیار زیاد و در حد ضربه خوردن داریم. تجربه می کنیم و اینکه یک فرد وقتی به جایی رسید، باید از کشور برود، به ارزش در بین دانشجویهای ماست. این یک مسئله خیلی مهم فرهنگی است که باید خیلی زیاد به آن بپردازیم» (مشارکت کننده شماره ۸).

#### جدول ۴- کدگذاری باز، محوری و گزینشی راهبردها

کدگذاری گزینشی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
شناسایی و سازماندهی نخبگان علمی	جلوگیری از مهاجرت نخبگان فراهم کردن شرایط برای الگوشدن نخبگان	احیای ارزش نخبه گرایی به معنای آکادمیک فراهم کردن چشم انداز علمی برای زندگی دانشجویان استفاده از مجسمه و کاراکترهای دانشمندان در دانشگاه جلب رضایت نخبگان به طرق مختلف معرفی دانشمندان و ارائه زندگی نامه آنها به دانشجویان تغییر نحوه ورودی دانشگاهها
تعامل فرهنگی - اجتماعی با دانشگاههای جهان اسلام	درونی کردن ارزشهای اسلامی برای دانشجویان آموزش اهمیت اتحاد اسلامی	استفاده از ظرفیت سایر مراکز علمی و آموزشی ترغیب استادان و دانشجویان برای مشارکت فعال در مباحث و مراسم اسلامی تبادل دانشجو و استاد با دانشگاههای جهان اسلام ایجاد روحیه پذیرش فرهنگهای متفاوت ازبین بردن «ما»ی محلی و ایجاد «ما»ی اسلامی - ایرانی
ترسیم سند چشم انداز فرهنگی دانشگاه	تعیین شاخصهای فرهنگی برای دانشگاه مشخص کردن رسالتهای فرهنگی دانشگاه	مشخص کردن اهداف فرهنگی مشخص کردن اولویت فرهنگی دانشگاهها مشخص کردن چالشهای فرهنگی مشخص کردن ایده‌الهای فرهنگی

کدگذاری گزینشی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
توسعه کرسی آزاد اندیشی	ایجاد فضای مناسب برای طرح اندیشه‌های نو و فرهنگ نوآور آسیب‌شناسی و پایش مستمر فرهنگ دانشگاه	نهادینه کردن آزادی بیان در دانشگاه نهادینه کردن رعایت اخلاق و منطق گفت‌وگو مهار هرج و مرج فرهنگی ایجاد فضایی برای پاسخگویی و حل مشکلات فرهنگی پرورش نخبه‌های فرهنگی، سیاسی و... در محیط دانشگاه و تبادل آرا درباره اندیشه‌های ناب اسلامی-ایرانی فراهم کردن شرایط برای پرورش روحیه خلاق و تفکر انتقادی

کدهای باز، محوری و گزینشی مرتبط با راهبردهای ارائه شده در جدول ۴ ذکر شده است.

#### ۵. نتیجه‌گیری

مسئله علم را بدون توجه به مسئله فرهنگی و منزلت اجتماعی آن نمی‌توان حل کرد. کفایت‌نداشتن تولیدات علمی در جوامع توسعه‌نیافته محصول فرهنگی و اجتماعی آن- هاست و باید برای درمان این معضل به باروری فرهنگی و اجتماعی فکر کرد (کاظمی، ۱۳۸۴). با توجه به نتایج تحقیق، در جامعه دانشگاهی ایران چالش‌های اجتماعی-فرهنگی متعددی وجود دارد؛ از قبیل صلح‌محور نبودن، آگاهی محدود جامعه و بی‌توجهی به علم، فضا نماندن بودن دانشگاه، کم‌توجهی به دموکراسی، مشخص نبودن فلسفه زندگی، روحیات فردی متضاد با محیط آکادمیک، بی‌توجهی به تفاوت‌ها، کم‌رنگ شدن دین اسلام و کم‌توجهی به دموکراسی، تهاجم فرهنگی. با توجه به این مسئله که تحقیقات اندکی در زمینه اجتماعی-فرهنگی در سیستم آموزش عالی انجام شده است، تحقیقاتی که به‌طور مستقیم به مقوله‌های به‌دست‌آمده در تحقیق اشاره کرده باشد، محدود هستند و در این قسمت تلاش کرده‌ایم به‌منظور مستندسازی، از تحقیقاتی که به‌گونه‌ای به مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها اشاره داشته‌اند، استفاده کنیم.

بی‌توجهی به تفاوت‌ها، روحیات فردی متضاد با محیط آکادمیک و مشخص نبودن فلسفه زندگی از مقولاتی بود که در نتایج تحلیل مصاحبه‌ها به آن دست یافتیم. با توجه به نتایج تحقیق رضوانی و عزیزی (۱۳۹۶)، ضعف روحیه فردی جست‌وجوگری در فرهنگ عمومی دانشگاه از ضعف‌های فرهنگ علمی و پژوهشی است که یکی از سیاست‌ها و خط‌مشی‌های دولت در راستای تولید علم و دانش، می‌تواند تحکیم پیوند علم و جامعه، گسترش فرهنگ علمی، آموزش و ترویج ارزش‌های مربوط به علم باشد. عبداللهی و مروت (۱۳۸۵) در نتایج تحقیق خود نشان دادند که دانشجویان خود را به قومی خاص متعلق و منتسب می‌دانند؛ از این رو هویت قومی هنوز جایگاه برجسته‌ای در میان دانشجویان دارد و هویت جهانی در جایگاه دوم اولویت قرار دارد. از طرفی گویه‌های مربوط به سرزمین مشترک، مفاخر فرهنگی و ملی دارای بیشترین اهمیت از نظر دانشجویان هستند. همچنین استرین<sup>۱</sup> (۲۰۰۰) ذکر کرده است که افراد می‌توانند از طریق عضویت به‌عنوان شهروند در جامعه و وابستگی درونی توأم با همکاری با اعضای جامعه، هویت خود را شکل دهند و هویت و عمل خود درباره یادگیری را توسعه دهند. رشیدی (۱۳۹۶) در نتایج تحقیق خود نشان داد شکل‌گیری مفهوم شهروند جهانی از طریق آموزش عالی بنا به دلایل یادشده و با توجه به استراتژی‌ها و راهبردهای موجود در آموزش عالی ایرانی رخ نمی‌دهد. ولسی و الش<sup>۲</sup> (۲۰۰۹) در مطالعه خود، رابطه بین معنا در زندگی و خودکارآمدی دانشجویان را که یکی از عوامل مؤثر در بهداشت روان است، مثبت گزارش کردند (به نقل از احیاء‌کننده و شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۳).

کم‌رنگ‌شدن دین اسلام در باور دانشگاهیان ایرانی یکی از مقوله‌های چالش‌های فرهنگی - اجتماعی بود که مشارکت‌کنندگان به آن اشاره کردند. گرایش‌های دینی در واقع به نوعی از علاقه‌مندی و پایبندی به دین خاص اشاره دارد. صرف‌نظر از کمیت و کیفیت آن به باورهای

---

1. Astrin

2. Wolesi & Alsh



افراد و رفتارهایی که در نتیجه باورها در افراد ایجاد می‌شود، اشاره دارد که می‌تواند بر نحوه برخورد و تعامل فرد با دیگر مذاهب و ادیان تأثیرگذار باشد (زتler، هیلینگ و هابریج<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱). کم‌توجهی به دموکراسی و آزادی بیان یکی دیگر از مسائلی بود که در نتیجه تحلیل مصاحبه‌ها به آن دست یافتیم. این مقوله در نتایج تحقیقات دیگر بیان نشده است، اما دیاموند در نظریه دموکراسی خویش به مقوله آزادی‌های سیاسی و مدنی اشاره می‌کند و بر این باور است که دموکراسی، حق بیان درخواست‌ها و تقاضاها، برای همه گروه‌های اجتماعی، سیاسی و... وجود دارد و شهروندان می‌توانند برای بیان درخواست‌هایشان از ابزارها و کانال‌های متعدد بهره‌گیرند. یک از مشخصه‌های دموکراسی، وجود آزادی‌های فردی و اجتماعی نظیر آزادی بیان، آزادی نشر و... است (برندگی و قاسمی، ۱۳۹۵).

تهاجم فرهنگی یکی دیگر از مقولاتی بود که در نتیجه مصاحبه‌های انجام‌شده به آن دست یافتیم و یکی از زیرمقوله‌های اعتیاد به اینترنت بود که در نتیجه ارتباط دانشجویان با فرهنگ غرب شکل گرفته است. نتایج تحقیق عبدی، رفیعی، اسدی، پوررحیمی و جلیوند (۱۳۹۷) نشان داد اعتیاد به اینترنت با ابعاد مختلف سبک زندگی شامل سلامت روان‌شناختی، سلامت معنوی و اجتناب از داروها و مواد مخدر ارتباط دارد و بین اعتیاد به اینترنت و ابعاد سبک زندگی همبستگی وجود دارد. همچنین در پژوهش آنها، دانشجویان در ابعاد ورزش و تندرستی شامل کنترل وزن، تغذیه و سلامت محیطی خود عملکرد ضعیف‌تری داشتند.

مقوله دیگری که در نتیجه تحلیل مصاحبه‌ها به آن دست یافتیم، فضا‌مند نبودن محیط دانشگاهی و تفاوت قائل نشدن بین محیط آکادمیک دانشگاهی با سایر سازمان‌ها بود. ریگی و همکاران (۱۳۹۹) در نتایج تحقیق خود به این نتیجه دست یافتند که دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی نیز مثل هر سازمانی به طرق مختلف با سایر سازمان‌ها تفاوت‌هایی دارند. مدیریت دانشگاه‌ها در ایران برداشت اشتباهی از سبک مدیریتی در دانشگاه‌ها دارند و نوع مدیریت آنها مشابه با مدیریت در سایر سازمان‌ها است.

به طور کلی، در نتیجه ارزیابی کیفیت بعد فرهنگی-اجتماعی، دانشگاه‌های ایران از بعد اجتماعی- فرهنگی کیفیت لازم را ندارند و نیازمند بازنگری در سیاست‌ها و اهداف به منظور بهبود عملکرد مذکور هستند. در این زمینه عواملی از قبیل ترویج و توسعه کرسی آزاداندیشی، تعامل فرهنگی-اجتماعی با دانشگاه‌های جهان اسلام، ترسیم سند چشم‌انداز فرهنگی-اجتماعی و شناسایی و سازماندهی نخبگان، از جمله راهبردهایی بود که در نتایج تحقیق حاضر به آن دست یافتیم.

#### کتاب‌نامه

۱. احیاءکننده، م.، و شیخ‌الاسلامی، ر. (۱۳۹۳). نقش سبک‌های هویت و معنای زندگی در بهداشت روانی دانشجویان دختر. فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، ۳۱(۳)، ۱۱۷-۱۳۷.
۲. برندگی، ب.، و قاسمی، و. (۱۳۹۵). ارائه الگویی نوین برای سنجش دموکراسی با توجه به انتقادات وارد بر الگوهای موجود. فصلنامه مطالعات سیاسی، ۸(۳۲)، ۵۳-۷۸.
۳. حسن‌زاده بارانی کرد، س.، و مقارزاده، ف. (۱۳۹۵). سیاست‌گذاری آموزش عالی: تأکید بر بعد فرهنگی یا بعد اقتصادی؟ کنگره آموزش عالی ایران، تهران.
۴. خلعتبری لیماکی، ح.، و شاه فضل قمصری، ع. (۱۳۹۷). مبانی و اصول آزاد اندیشی از منظر اسلام با تأکید بر اندیشه‌های علامه طباطبایی. فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۲۲(۴)، ۵۹۸-۶۰۸.
۵. دارا، ج.، و الفی، م. (۱۳۹۲). نقش مدیران فرهنگی دانشگاه‌ها در مقابله با جنگ نرم. فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۲(۵)، ۱۹۵-۲۱۲.
۶. رحمانی، ج. (۱۳۹۳). سیاست‌گذاری فرهنگی و آموزش عالی (چالش‌ها و راهکارها). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۷. رشیدی، ز. (۱۳۹۶). مفهوم‌پردازی شهروند جهانی از منظر صاحب‌نظران آموزش عالی: مطالعه‌ای زمینه‌ای. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۲۳(۲)، ۹۳-۱۱۴.

۸. رضانی، س. گ.، و عزیزی، ن. (۱۳۹۶). سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در نظام آموزش عالی استرالیا. *کنگره ملی آموزش عالی ایران*، تهران.
۹. ریگی، ع.، عزیزی، ن.، و پورقاز، ع. (۱۳۹۹). بررسی انتقادی مدیریت دانشگاه‌ها در دستیابی به رتبه برتر در رتبه‌بندی‌های جهانی. *پژوهش‌های مدیریت عمومی*، ۱۳ (۴۷)، ۲۱۹-۲۴۳.
۱۰. صالحی امیری، س. ر.، و عظیمی دولت‌آبادی، ا. (۱۳۸۷). *مبانی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی*. تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۱۱. عبداللهی، م.، و مروت، ب. (۱۳۸۵). هویت جمعی غالب در بین دانشجویان دانشگاه‌های شهر سنج. *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۳۲ (۳۲)، ۷۷-۱۱۲.
۱۲. عبدی، م.، رفیعی، س.، اسدی، ا.، پوررحیمی، م.، و جلیلود، ه. (۱۳۹۷). *تصویر سلامت*، ۹ (۴)، ۲۵۸-۲۵۲.
۱۳. فضائی، ا. (۱۳۸۵). تبیین رابطه آموزش عالی و فرهنگ تاثیر مبانی در ایفای نقش فرهنگی دانشگاه، *کنگره ملی علوم انسانی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران. بازیابی از <https://civilica.com/doc/100665>
۱۴. فیاض، ا. (۱۳۸۹). *تعامل دین فرهنگ و ارتباطات*. تهران: چاپ و نشر بین‌الملل.
۱۵. کاظمی، م. (۱۳۸۲). جهانی‌شدن و چالش‌های فراروی آموزش عالی در هزاره سوم. در *مجموعه مقالات همایش سیاست‌ها و مدیریت برنامه‌های رشد و توسعه در ایران*. تهران: سیاست‌های توسعه سیاسی. مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
۱۶. کلدی، ع.، و فلاح مین‌باشی، ف. (۱۳۸۸). بررسی کارکردهای اجتماعی و فرهنگی دانشگاه‌ها از نظر دانشجویان (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات). *پژوهشنامه علوم اجتماعی*، ۳ (۱)، ۷۱-۸۸.
۱۷. معبدفر، س. (۱۳۸۶). *دانشگاه و دگرگونی ارزش‌ها*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۸. منادی، م.، عابدی، ف.، و طالب‌زاده شوشتری، ل. (۱۳۹۴). *روش پژوهش کیفی کاربردی (در علوم اجتماعی و علوم رفتاری)*. تهران: جامعه‌شناسان.

۱۹. نیستانی، م.، و رامشگر، ر. (۱۳۹۲). نقش فعالیت های فرهنگی دانشگاه در توسعه فرهنگی جامعه. *مجله فرهنگ*، ۸(۷۶)، ۱۴۶-۱۶۹.

20. Bartell, M. (2003). Internationalization of universities: A university culture – Based framework. *Higher Education*, 45(1), 43-70.
21. Boswell, C., & Cannon, S. H. (2012). *Introduction to nursing research* (3rd ed.). Burlington, MA: Jones & Bartlett Publishers.
22. Brennan, J., King, R., & Lebeau, Y. (2004) *The role of universities in the transformation of societies: An international research project: Synthesis report*. London: Association of Commonwealth Universities/Centre for Higher Education Research and Information.
23. Burns, N., & Grove, S. K. (2005). *The practice of nursing research. conduct, critique, and utilization* (5th ed.). Philadelphia, PA: Elsevier Saunders.
24. Calhoun, C. (2006). The university and the public good. *Thesis Eleven*, 84(1), 7-43.
25. Collingford, C. (2004). Conclusion the future-Is sustainability sustainable. In J. Blewitt, & C. Collingford (Eds.), *The sustainability curriculum: The challenge for higher education* (pp. 245-252). London. Eartscan Publications.
26. Gorard, S., & Taylor, C. (2004). *Combining methods in educational and social research*. New York: Open University Press.
27. Miller, L., & Brewer, D. (2003). *The A-Z of social research a dictionary of key social science research concepts*. London: SAGE Publications.
28. Neuman, L. W. (2007). *Social research methods* (6th ed.). Upper Saddle River, NJ: Pearson Education.
29. Onwuegbuzie, A. J., & Collins, K. M. T. (2007). A typology of mixed methods sampling designs in social science research. *Qualitative Report*, 12(2), 281-316.
30. Tierney, W. G. (2008). *The impact of culture on organizational decision making: theory and practice in higher education*. Virginia: Stylus Publishing.
31. Zettler, I., Hilbig, B. E., & Haubrich, J. (2011). Altruism at the ballots: Predicting political attitudes and behavior. *Journal of Research in Personality*, 45(1), 130-133.